# روزنامه شرق

چهارشنبه ۲۵خرداد ۱۳۹۰ • ۱۲رجب ۱۴۳۲ • ۱۵ ژوئن ۲۰۱۱ • سال هشتم • شماره پیاپی۱۲۷۱ • شماره ۳۴۷ دوره جدید • ۲۰صفحه

روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۲-۸۸۶۵۴۳۹۱ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵

توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن:۵-۶۶۱۸۲۱۳۰

چاپ: کاراپیام تلفن: ۴۴۹۸۳۹۶۹

www.sharghnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر۱۳:۰۵ اذان مغرب ۲۰:۴۳ اذان صبح فردا ۴:۰۱ طلوع آفتاب ۵:۴۸

## نمایش یادگارهای «فرهاد» در موزه سینما

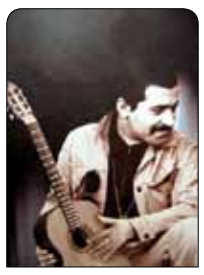

**شرق:** یادگارهای «فرهاد» ـ خواننده، آهنگساز و نوازنده موسیقی پاپ ایران ـ از اول تیرماه به موزه سینما منتقل می‌شود. روابط‌عمومی موزه سینما اعلام کرد: یادگارهای «فرهاد» شامل سازها، دست‌نوشته‌ها و... این هنرمند در یکی از غرفه‌های موزه سینما به نمایش گذاشته خواهد شد. علاقه‌مندان برای دیدن این آثار می‌توانند از اول تیر هر روز به‌جز تعطیلات از ساعت ۹ صبح تا ۱۸ به موزه سینما مراجعه کنند.

چهارشنبه خوانی

## تنهایی پرهیاهو

بهاره رهنما

■ «یهو میل هرابال» ۱۹۱۴ تا ۱۹۹۷ به اعتقاد کوندرا بزرگ‌ترین نویسنده سرزمین چک به شمار می‌رود، به گفته دیگر نویسندگان این سرزمین آثار وی تاریخچه غیررسمی ملت چک و آنچه بر روح و روان آنها رفته است، می‌باشد. او دوره‌های دانشگاهی فلسفه، ادبیات و تاریخ هنر را گذرانده است و هم از این روست که آثارش لایه‌های فلسفی تامل‌برانگیزی را در بر دارد. «تنهایی پرهیاهو» داستان یک سانسورچی بی‌تقصیر یا شاید بهتر بگوییم یک کارمند سانسور کتاب است که در نهایت خود عاشق کتاب‌هایی می‌شود که در زیرزمینی نمور و متروک خمیرشان می‌کند. چند سال پیش تئاتری در سالن سایه تئاترشهر اجرا شد به نام «پروانه‌های آسیایی» که بر اساس همین رمان نوشته شده بود. «محمد حاتمی» کارگردانی‌اش می‌کرد و من و محسن حسینی بازی می‌کردیم. همان روزهای اجرای نمایش هم همیشه حس می‌کردم چطور گاهی این غرابت عجیب میان ملت‌هایی با فاصله مکانی بسیار این همه ایجاد همدلی می‌کند و امروز هم که چهارشنبه خوانی را برایتان به روز می‌کنم، باز درگیر همین مضمونم. یادم می‌افتد جایی از کوندرا نویسنده محبوبم خواندم که درگیری‌های داخلی و تغییر ضوابط و قوانین چنان دستمایه عمیقی برای ادبیات بر جای می‌گذارد که تا نسل‌ها بعد نویسندگان می‌توانند از این آبشخور ادبیات آن کشور را سیراب کنند. هرابال نویسنده پرکاری بود که بدون توجه به چاپ اثرش و گاهی به اصطلاح برای بایگانی در کشوی میز می‌نوشت ولی آثارش همیشه و در همان زمان به صورت نسخه‌های دست‌نویس بین مردم دست به دست می‌شد. سال ۱۹۷۵ بعد از سال‌ها، هرابال بالاخره اجازه چاپ مجدد آثارش را پیدا کرد. در این زمان منظره صف‌های طولانی از صبح زود، مخاطبان آثارش جلو کتابفروشی‌ها این نوید را می‌داد که ملتی که از او کتاب دریغ می‌شود، آنقدر تشنه می‌ماند که به جای ماندن در صف شیر و آذوقه ترجیح می‌دهد در صف کتاب نویسنده محبوبش ساعت‌ها انتظار بکشد.

برداشت آخر

## آقای رسایی! سند ادعایتان کجاست؟

هادی حیدری

طنز غریبی است نازنین!

کاریکاتوری را که یک کارتونیست اصلاح‌طلب خلق کرده، یک نشریه اصولگرا بدون اجازه منتشر می‌کند و توقیف می‌شود! البته نه به خاطر رعایت نکردن حقوق مادی و معنوی صاحب اثر.

سه‌شنبه حین انجام کار در دفتر روزنامه بودم که یکی از همکاران با تعجب پرسید: «هادی! خبر را شنیده‌ای؟» وقتی محتوای خبر را پرسیدم از توقیف هفته‌نامه «۹دی» به بهانه چاپ کاریکاتوری که از چهره رییس دولت اصلاحات در سال ۱۳۸۴ کشیده بودم و سال گذشته در مراسم شصت و هفتمین سالگرد تولد وی به او هدیه داده بودم، خبر داد.

شماره ۱۷ « ۹ دی» که کاریکاتور مورد اشاره در آن منتشر شده بود

در این دو روز، گویا خبر این ماجرا در بسیاری از سایت‌ها با گرایش‌های مختلف منتشر شده است.

بیشتر ناظر خبرها بودم تا ببینم ماجرا به کجا می‌رسد تا اینکه دیروز یادداشتی از جناب رسایی، مدیرمسوول محترم هفته‌نامه «۹ دی» در سایت‌شان منتشر شد که مرا به نوشتن این یادداشت وادار کرد.

۱- از توقیف هیچ نشریه‌ای خوشحال نمی‌شوم؛ حتی آنهایی که بدون اجازه اثرم را منتشر کرده‌اند و مدیرمسوول آن حتی در نوشته‌های بلندبالای خود نیز کوچک‌ترین اشاره‌ای به نادیده گرفتن حقوق صاحب اثر نکرده آنچنان که گویی اتفاقی نیفتاده و صاحب اثر دارای هیچ موجودیتی نیست.

۲- هفته نامه «۹ دی»، بدون اجازه و رعایت اصول حرفه‌ای و اخلاقی اقدام به انتشار کاریکاتور این جانب در شماره ۱۷ (اول خرداد ۱۳۹۰) آن نشریه کرده است که از گردانندگان این رسانه - که بر اصول اخلاقی و دینی تکیه می‌کنند - پذیرفتنی نیست؛ به خصوص آنجایی که آقای رسایی در نوشته خود آورده‌اند: «روزنامه شرق در سال‌های قبل، عکسی از این کاریکاتور را در صفحه اول خود - در حالی که کاریکاتوریست و خاتمی در کنار هم ایستاده و این کاریکاتور در دست‌شان بود - به چاپ رسانده است.»

این جانب به عنوان آن صاحب اثری که جناب رسایی به آن اشاره کرده‌اند، اعلام می‌کنم که این کاریکاتور و آن عکس مورد اشاره اساسا در هیچ رسانه مکتوبی منتشر نشده است، البته به غیر از هفته نامه «۹ دی» و روزنامه ایران که هر دو بدون اجازه این جانب اقدام به انتشار این کاریکاتور کردند.

۳- بنابراین ضمن رد اظهارات مدیرمسوول هفته نامه «۹ دی» مبنی بر انتشار یافتن این کاریکاتور در «روزنامه شرق» این جانب حق شکایت قانونی از جهت پایمال شدن حقوق مادی و معنوی اثر را برای خود محفوظ می‌دانم.

کارتون خواب

کیوان زرگری

cartoononline.persianblog.ir

نگاه

## نقاشی شعر است

قباد شیوا

■ این روزها بسیاری دنبال این هستند که بدانند در هنر غرب چه می‌گذرد تا همان را در این مملکت پیاده و تقلید کنند. این رویکرد گاهی حالت هنر «کیچ» (بازاری) را به خود می‌گیرد، در حالی‌که در خارج از ایران، کیچ فاخر هم وجود دارد اما متاسفانه در ایران کسانی سراغ «کیچ» می‌روند که از نظر طراحی و بصری، ضعیف هستند. نمایشگاه‌های متفاوتی در سطح تهران برپا می‌شود، اگرچه همگی آنها واجد ارزش‌های هنری نیست. با این حال نمایشگاه گروهی هشت هنرمند در گالری هرندی، از جمله نمایشگاه‌های خوبی است که با توجه به آثار به نمایش گذاشته شده در آن، می‌توان عنوان «صمیمی» را برای آن برگزید. این نمایشگاه حاصل کنار هم قرار گرفتن آثار هنرمندانی از سنین مختلف با تکنیک و نگاه متفاوت است. فکر می‌کنم مقایسه این آثار با هم کار مناسبی نیست و بهتر است هر کدام تک‌تک بررسی شوند. علی گلستانه یکی از شرکت‌کنندگان این نمایشگاه است که در تمام عمر با دید مختص به خودش نقاشی کشیده و تحت تاثیر بالا و پایین و هیچ‌چیز دیگر نیست. گلستانه آنچه را از طبیعت برداشت می‌کند با حس خود می‌آمیزد و به تصویر می‌کشد و این مغتنم است، چرا که دنباله‌روی جریان‌های غرب نیست. گلستانه هیچ‌گاه خودش را به این چیزها نمی‌فروشد. در کنار کارهای گلستانه، آثار امیر پاشا هشیوار هم بسیار راحت و سیال کشیده شده‌اند. کارهای عباس میرزایی بسیار صادق و زلال هستند. کارهای کریم نصر هم در این نمایشگاه دیدنی است. او یک تصویرساز بی‌نظیر است و به همان راحتی نقاشی می‌کشد که تصویرسازی می‌کند. اگر بخواهم به دیگر آثار این نمایشگاه اشاره کنم، باید بگویم آثار لئون کهن بدوی (primitive) هستند. او حسی که از خیام داشت را خیلی خوب به تصویر کشیده بود. آثار حسینعلی ذابحی هم جالب بودند. در کل این نمایشگاه به عنوان یک نمایشگاه نقاشی بی‌پیرایه، خیلی قوی و موفق برپا شد.